



شماره ۲۷، سال چهارم - آبان ماه ۱۳۸۶ برابر با نوامبر ۲۰۰۷

نشریه برونمرزی

# جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

## سرمقاله

هوشنگ کردستانی

## بیانیه

جمعی از مدافعان منافع ملی ایران

تصویب طرح غیرالزام آور تقسیم عراق به سه منطقه قومی - مذهبی «شیعه و سنی و کرد» - انتشار نامه آقای انوشیروان بارزانی نخست وزیر حکومت ایالتی کردستان عراق در شماره هفتم اکتبر روزنامه وال استریت جورنال در رابطه با تصویب لایحه فروش نفت و گاز در پارلمان محلی و عقد قرار داد با کمپانی های نفتی - شدت گرفتن حملات حزب تجزیه طلب «پ- ک - ک» به مرزهای جنوبی ترکیه و سکوت معنی دار نیروهای اشغال کننده عراق در مقابل عملیات تروریستی آنان زنگ خطر را در منطقه خاورمیانه به صدا در آورده و موجبات نگرانی ملت های این منطقه از جمله ملت ایران را فراهم آورده است بویژه اینکه تحریک اقلیت های قومی - مذهبی در مناطق مرزی کشور ما آغاز گردیده و این گمانه زنی را قوت بخشیده است که طراحان حمله نظامی به ایران گروه های تجزیه طلب ضد ایرانی را بقیه در ص ۷

## پاسخ به روزنامه فیگارو

### «چاپ پاریس»

در پاسخ به نوشتار آقای ریموند تانتر عضو قدیمی شورای امنیت ملی آمریکا در حمایت از سازمان مجاهدین خلق بعنوان تنها آلترناتیو سیاسی ایران (روزنامه «فیگارو»، ۶ نوامبر ۲۰۰۷)، بعنوان عضو قدیمی شورای مرکزی جبهه ملی ایران، جبهه ای که در اکتبر سال ۱۹۴۸ توسط دکتر محمد مصدق برای تأمین آزادی های مردم و برقراری دموکراسی پارلمانی و نیز استقلال و بی طرفی کامل سیاسی در دو بلوک متخاصم شرق و غرب آنروز جهان بنیان گذاری شد و با پشتیبانی اکثریت مردم موفق به ملی کردن صنعت نفت ایران و شکست دادن انگلستانی که آفتاب در امپراتوری آن غروب نمی کرد گردید، لازم می دانم توجه ایشان و سایر سیاست پیشگان هم اندیش با ایشان که برای آینده سیاسی کشور ما «ایران» از پیش نسخه می نویسند به نکات زیر جلب کنم:

در سالهای پیش از استقرار جمهوری اسلامی در ایران یعنی پس از گذشت ۲۵ سال از کودتای سال ۱۹۵۳ که با طرح وینستون چرچیل نخست وزیر و آنتونی ایدن وزیر خارجه انگلستان و موافقت ژنرال دوايت دیوید آیزنهاور رئیس جمهور و جان فوستر دالس وزیر خارجه آمریکا صورت گرفت و منجر به سقوط دولت قانونی مصدق و استقرار دولت نظامی و از میان رفتن دموکراسی در ایران شد، در اثر بالا رفتن بهای نفت، شرایط اقتصادی و اجتماعی پدید آمده در ایران به گونه ای بود که امکان دست یابی مردم به آزادی و استقرار دموکراسی وجود داشت. در چنین شرایط مساعدی که مردم ایران برای رسیدن به دموکراسی بقیه در ص ۴

### در این شماره می خوانید:

- پاسخ به روزنامه فیگارو «چاپ پاریس» هوشنگ کردستانی
- بیانیه جمعی از مدافعان منافع ملی ایران جبهه ملی خارج از کشور
- آیا نتیجه سفرشوم و پرخطر ... دکتر ابراهیم میرانی
- چرا پان ایرانیست شدم! حوریه رستمی
- از برگزاری مراسم یادبود فروهرها جلوگیری شد هیأت اجرایی جبهه ملی - خارج از کشور-
- تشکیل مثلث رفسنجانی، خانمی و کربوبی ... هوشنگ کردستانی
- ۲۹ اکتبر، روز کورش بزرگ کمیته بین المللی نجات پاسارگاد
- صحرای طلب شعری از خانم تمدن «سامانی»

ایران متعلق به همه ایرانیان است

به نام خداوند جان و خرد

## آیا نتیجه سفر شوم و پرخطر ولادیمیر پوتین به ایران خیانتی برتر از عهدنامه های گلستان و ترکمنچای را در بر دارد؟؟؟؟!!!

به قلم : دکتر ابراهیم میرانی

تهیه و تنظیم : ابوالفضل عابدینی نصر  
پان ایرانیست خوزستان برگرفته از وبلاگ

تزار «ولادیمیر پوتین» هم اکنون در راه ایران است تا آخرین ضربات مرگبار را بر بیکره ی بی رمق استقلال و تمامیت اراضی این میهن فرسوده و خیانت زده وارد آورد. به راستی آیا ما در معرض خیانتی بزرگتر و خوفناک تر از عهدنامه گلستان و ترکمنچای قرار داریم! هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی همچنان که پیش بینی می شد فرو پاشید، فرصتی بس گرانبها برای ملت ما پیش آورد که ننگ نازدودنی دو عهد نامه خفت بار گلستان و ترکمنچای را از دامان میهن بزدایم پاره های جدا مانده از میهن را در سر تا سر سرزمین های شمالی به یگانگی بخواهیم و پیوندهای هزاره های تاریخ را با آنان تنیده سازیم، اما افسوس؟!!

در آن زمان هم گرفتار دولتی بمراتب ناتوان تر و بی آرمان تر از حاکمیت قاجاریه که بر ما حکومت میراند بودیم. حاکمیتی که نتیجه اتحاد نامبارک گروه های انترناسیونالیست از چپ و راست و وایدولوژیک سیاسی که انقلاب ایران را وسیله ای برای اجرای مطامع خائنانه خود فرض می کردند و بیگمان تعدادی دستارپسر و فاقد بینش سیاسی و نا آشنا به رمز و راز دیپلماتیک که گروه های از جوانان پر احساس و تعجز زده را در اختیار داشتند، مانع بلعیدن ملک نیاکانی توسط اتحاد شوروری نمیدانستند!

بدون شک نفوذ عوامل سرسپرده حزب توده در بدنه بلافصل از رهبری انقلاب و تجهیز کارگاه های مختلف توده ای در سراسر ایران برای هدایت کشتی فرماندهی مملکت که خالی از عناصر رهبری سیاسی آرمانخواه شده بود، آثار و تبعات بسیار ناگواری را در پی داشت و از آن جمله هدایت بسیار موزیانه و برنامه ریزی شده این حزب همیشه خائن، حاکمیت را به عقد قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر با یک تکنولوژی عقب مانده اتمی روسیه بجای

تکنولوژی اتمی پیشرفته آلمانی واداشت و استقرار نیروهای روسی در خلیج فارس و تحقق آرزوی «پطر کبیر» در دسترسی به آب های گرم این خلیج، برآستی چه خدمتی پر بها تر و استراتژیک تر از این می توانست رؤیاهای روسها را به این سهولت عملی سازد؟

باید این درس را از تاریخ استعمار گرفت، آنزمان که فرزندان منشویک و بلشویک تزار از ادعای «کان لم یکن» بودن قراردادهای تزاری که وعده آنرا به جهانیان و از جمله ایران داده بودند عدول کردند، می دانستند که دیرباز زود حکومت نا لایقی بر ایران فرمانروایی خواهد کرد، که نیازی به آن همه هزینه کلان و جنگ های طاقت فرسا برای تحقق آرزوی «پطر» نخواهد بود و تزارهای پرولتار توسط دست آموزان خود و رهبران خلقی در ایران این مهم را عملی خواهد ساخت و پیوند نامبارک رهبران توده های استعمار زده و مستضعفان جهان بر قرار خواهد شد.

باری، یادمان نرود وقتی که موضوع بهره برداری از منابع روی زمینی و زیر زمینی دریای مازندران مطرح شد و عملیات کاوش و بهره برداری از منابع نفت و گاز آغاز گردید. ضرورت تنظیم و تعیین یک رژیم حقوقی ناظر بر این اقدامات پیش آمد و لیکن شگفت زده نشویم حاکمیت ایران با وجود قراردادهای یکطرفه استعماری و خفت بار روسیه با حکومت قاجار، یعنی عهد نامه های گلستان و ترکمنچای و حتی قرارداد ۱۹۴۰ که به صورت حداقل حاکمیت ۵۰ درصدی ایران را بر دریای مازندران به رسمیت می شناخت، در میان بهت و حیرت همسایگان شمالی و حتی روسیه مدعی ۲۰ درصد حق خود در این دریای سرزمینی ایرانی شد! که ظاهراً همسایگان شمالی از سر منت بین ۸ تا ۱۳ درصد از بدترین نقاط این دریای ایرانی را برای دولت ایران در نظر گرفته اند!

یادمان نرود، دولت ایران در شرایطی زیر بار خفت قراردادهای گلستان و ترکمنچای و معاهدات جانبی این دو عهد نامه رفت که در میان نیروهای تزاری در اوج قدرت و با ظرفیت و کمیت قابل اهمیت و فرماندهان لایق و جنگاور از یک سو و مکر و خیانت و تزویر انگلیسیها که دشمن دوست نمای حکومت قاجار بودند از سویی دیگر و بالاخره غفلت و بیخبری و فساد و زن بارگی در بار و افسونهای رنگارنگ و ایران بر باد ده گروه هایی ملایان روز، از طرف دیگر گرفتار آمده بود، لیکن امروز چه بهانه ای را می توانیم در قبال این شوربختی ویی آرمانی و فریب بازیهای سیاسی خوردن را شاهد آوریم که خیانت های شرمسارانه را علیرغم همه ی رجز خوانی های سیاسی و نظامی و ادعاهای بی نظیر تاریخی به جان خریدار می شویم!

هشیار باشیم که این تزار کوچک با پشتوانه ای از تعلیمات و تجارب سازمان ک.گ.ب اتحاد جماهیر شوروی، و با استنهایی به اندازه همه تزارهای روسی برای بستن

## آیا نتیجه سفر شوم و پرخطر

بقیه از ص ۲

قراردادهای مکمل عهدنامه های گلستان و ترکمنچای به سوی شما می آید. این تزار؛ مجموعه ای از همه نیرنگهای سیاسی و تاریخ فتنه و جهانخواری و دشمنی دیرینه با ملت ایران را با خود دارد. این مامور کار کشته سازمان جاسوسی و ضد جاسوسی روسیه آخرین تجارب خود را از سیاست کشورهای غربی در آلمان شرقی آموخته و اکنون در چهره مدافع شما در دستیابی به انرژی اتمی از شما دلبری می کند، به امید اینکه روزی قطعنامه بعدی را علیه شما و تو نماید. چندان به قول او امیدوار نباشید زیرا اگر دیگران سهم بیشتری دادند، می گیرد و پای بند عهد و میثاق خود نیست! او اکنون خلیج فارس را کم و بیش در اختیار دارد و کفایت فقط چندروز معارضی را در آن پهنه نبیند، خواهید دید که خلیج فارس حکم لقمه ای لذیذ را برای او دارد، پس خود را ارزان نفروشید.

اکنون همه پیشینیان و نیاکان سرافراز ما؛ چشم به شما دوخته اند که آیا شرف و عزت ملت خود را در چمبره فریبندگی های آقای «پوتین» و حرامزاده های اتحاد جماهیر شوروی از دست خواهید داد یا مردومردانه برای استیفای حق هزاران ساله ملت ایران خواهید ایستاد. و شرف در حال انقراض این ملت را پاسداری خواهید کرد؟!

اکنون باید توجه شما را به چند اندرز و هشدار حقوق بین المللی در خصوص این دریای ایرانی جلب کنم:

بر طبق اصول کلی حقوق بین الملل، حاکمیت کشورها بر آن قسمت از آب ها که بخشی از سرزمین آنها تشکیل میدهد، مسجل میباشد و ضرور است که رعایت حقوق دیگر کشورهای هم مرز؛ و جلوگیری از ورود خسارت به آنها در نظر گرفته شود. دریاهای بسته و دریاچه ها؛ اعم از بین المللی یا غیر بین المللی قسمتی از خاک مملکت یا ممالکی که آنها را محیط کرده اند می باشند.

وضعیت دریاچه ویا دریای مازندران در طول تاریخ تا قبل از معاهده گلستان عملاً در حکم دریاچه سرزمینی بود چون از سه طرف این دریاچه در محیط و محصور سرزمین ایران قرار داشت و پس از قراردادهای ننگین یادشده، در حکم دریای سرزمینی فی مابین دو کشور یعنی ایران و روسیه تزاری بود. بنابراین حقوق دریایی ایران در این دریا کم و بیش به صورت منصفانه در نظر گرفته می شد. مفاد عهدنامه های یاد شده و قرارداد ۱۹۴۰ بین دو کشور نیز حکایت از برقراری اصل پنجاه، پنجاه بین دو کشور داشت و لذا متعلقات بعدی و پیدایش حکومت های سیاسی جدا شده از امپراطوری روسیه هرگز نباید نافی و مزیع حقوق ملت ایران در این دریا باشد. گذشته از اینکه قرارداد تشکیل فدراسیون کشورهای آسیای میانه، در حقیقت استقرار همان قیومیت روسیه بر این واحدهای سیاسی به

ظاهر مستقل می باشد و در واقع یک ترفند ظاهری و فریبکارانه برای تقسیم منابع دریای مازندران به نفع روسیه و مستملکات فعلی آن تلقی می شود.

آنچه آشکارا مورد تصدیق حقوق بین الملل می باشد اینست که این دریاچه بر اساس قراردادهای فی مابین ایران و روسیه، حکم همان دریای بین دو کشور را داشته و دولت ایران با هیچکدام از کشورهای مدعی آسیای میانه ای قرارداد جدیدی مبنی بر شناسایی یک رژیم حقوقی جداگانه مستقل تنظیم و امضا نکرده است که مکلف به تخصیص بخشی از حقوق خود در این دریا شود. بنابراین براساس اصول قطعی بین المللی، این دریاچه همچنان بماند یک دریاچه سرزمینی بین دو کشور و قسمتی از سرزمین این دو کشور شناخته می شود و جای دارد دولت ایران علیرغم وضع موجود، و فریبکاری هایی که دنبال می شود دعوی مربوط به حاکمیت بر این دریاچه و میزان آن را به دیوان داوری لاهه ارجاع و استیفای حق نماید.

عقیده غالب علمای حقوق بین الملل اینست، در صورت عدم وجود قراردادی بین ممالک مجاور این دریاچه؛ این ممالک ساحلی جدید فقط نسبت به آبهای ساحلی تعیین شده حق حاکمیت دارند. تعیین مرز دریایی در مواردی که قابل کشتی رانی نباشد خط منصف و در صورت قابل کشتی رانی بودن، همان «تالوگ» است که بین ایران و شوروی و نه سایر کشورهای دیگر قانونی و قابل اعتبار است. چنانچه قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ نیز همین نتیجه را مدلل می دارد.

هشیار باشیم که دریای مازندران از نظر حقوق بین الملل از یکسو در حکم دریایی آزاد از نظر وسعت است و از نظر جغرافیایی یک دریاچه بسته می باشد و لذا اصول حقوق بین الملل عمومی مربوط به دریاهای آزاد از قبیل قوانین مربوط به کشتیرانی در دریای آزاد و بهره برداری از منابع طبیعی آن دریاها نمی توانند در همه حال شامل دریای مازندران شود و لذا رژیم حقوق دریایی مازندران توسط چند قرارداد و موافقت نامه ما بین دولت های اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایران منعقد شده و تثبیت گردیده است و این حقوق و حاکمیت در دریای مازندران مختص شوروی و ایران بوده و قابل انتقال به دیگری نمی باشد؛ و کما اینکه حقوق فردی (یک کشور) قابل انتقال به حقوق بین المللی نیست و لذا با وضع فعلی چاره کار، طرح دعوی حاکمیت دریای مازندران در دادگاه بین المللی ناظر بر حقوق دریاها می باشد.

ننگ خیانتی نا بخشودنی دیگر را بر ملت و حکومت ایران نپذیریم.

پانویس: دکتر ابراهیم میرانی دکترای حقوق واز چهره های ممتاز سیاسی خوزستان، وکیل پایه یک دادگستری و هموند کانون وکلا می باشد.

اهواز - ۱۳۸۶/۰۷/۲۱

پاینده ایران،

## چرا پان ایرانیست شدم!

حوریه رستمی

می گفتند ارتش ایران به قتل رسیده است. چند تا از فامیل های خیلی انقلابی ما با هیجان این موضوع را نقد و تفسیر می کردند. اما همه ی این شور و هیجان ها زود فرو نشست. با خواهرهایم توی کوچه سرگرم بازی هفت سنگ بودیم، که ناباورانه سقوط هواپیما ها را دیدیم. جنگ شروع شده بود. دیگر کار بازی نبود. روزهای تهمت و سختی و ترس. جنگ شهرها. گویی امید رخت بر بسته بود. هر روز پیاده به مدرسه م رفتیم. هر روز جمله یی بر خانه یی می دیدم و ضجه یی می شنیدیم. هر روز می دیدیم امام جماعت شهرمان سوار بر ماشین آخرین سیستم موجود به نماز می رود.

روزی زمزمه یی شنیدم. باوری جاویدان: *شاد باد. شاد باد، شاد باشید ای شهیدان راه ایران که به قرن ها در دل دشت ها، کوه ها و دریاها میهن به خون خود کفن پوشیده اید و خفته اید. نام شما و یاد شما افتخار ماست و درس زندگی ما.*

جهانی گشوده شده بود. جهانی که مال خودم بود و برای کودکان آینده ام و همه کسانی که دوستشان داشتیم و آب و خاکی که یاد گرفته بودم عاشقش باشم. دیگر من وجود داشتم. در کنار سی سال رنج عشق نوشتن فردوسی. در لحظه های شیرین امید نهضت ترجمه، با برهان قاطعی که حضور هیچ بیگانه یی را نمی تابد. من با اندیشه یی وسیع از مقاومت و مبارزه آشنا شده بودم که شاید همکلاسی های من از آن چیزی نمی دانستند. زمانی در برابر اسکندرو اعقابش. وقتی حمله اعراب و تهاجم ددمنشانه مغول. اما این فرهنگ ایرانزمین است که در اوج است. کتاب می نویسد. ترجمه می کند. فیلسوف طیبش شهر به شهر می گریزد تا مجبور به انکار فلسفه اش نباشد. منصور حلاجش پای کوبان و دست افشان به خاطر عشق شهید می شود. هر دم سرداری برخاسته، بنی عباس را مضطرب و نگران می سازد. در تجزیه وحشتناک پاره تن وطن این بار نام پان ایرانیست ولوله می کند. فریاد بر می دارد تا به امروز پی در پی دست استعمار را در جدایی بحرین از مام میهن محکوم می کند.

امروز نیز در برابر فرمان تاریخ، منقاد ندای خاک و خون برابر هر نوع توطیه یی شوم تا پای جان ایستاده است. اینک از همه کسانی که از من می پرسند چرا پان ایرانیست شدم؟ می پرسم چرا پان ایرانیست نباشم.

کرمانشاهان، شامگاه ۱۳۸۴/۹/۱۰ خورشیدی

## پاسخ به روزنامه فیکارو

بقیه از ص ۱

بیاخته بودند و چشم انداز آنرا نزدیک می دیدند، ناگهان جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا برای جلوگیری از برقراری دموکراسی در ایران در گوادولوپ به سران کشورهای هم پیمان اروپایی خود (آلمان، فرانسه و انگلستان) طرحی ارائه داد که موجب به قدرت رسیدن آیت الله روح الله خمینی و استقرار دیکتاتوری مذهبی در ایران گردید.

کارتر و مشاوران او عقیده داشتند که استقرار دموکراسی در ایران می تواند باعث به حرکت در آمدن مردم سایر کشورهای خاورمیانه برای دستیابی به دموکراسی گردد و منافع آمریکا را در این منطقه از جهان به خطر اندازد. از این رو، عقیده داشتند باید از آیت الله خمینی حمایت کرد و او را به عنوان رهبر انقلاب اسلامی در ایران به قدرت رسانید به ویژه آنکه اسلام می تواند سدّ بزرگی در راه گسترش ایدئولوژی کمونیسم به سوی ایران و سایر کشورهای نفت خیز منطقه گردد.

جیمی کارتر با اجرای این طرح و به قدرت رساندن خمینی در ایران و بازی با کارت اسلام، غولی را از درون شیشه خارج کرد که دنیا را به آتش کشیده است و هیچ قدرتی را یارای برگرداندن آن را به درون شیشه نیست.

درست است که از روز برقراری نظام اسلامی، دولت آمریکا بزرگترین سود مالی را از این منطقه نفت خیز بدست آورده ولی تردید نباید کرد که از دید سیاسی و نظامی شکست فاحشی خورده و بازنده اصلی بوده است.

رشد بنیادگرایی اسلامی، هزینه های کمرشکن مالی، کشتار نظامیان و بی آبرویی سیاسی، همه حاصل سیاست نادرست جیمی کارتر و موافقت سران اروپایی متحد آن در بقدرت رساندن خمینی و آخوندها در ایران می باشد.

اکنون ۲۹ سال است مردم ایران درگیر یک مبارزه مرگ و زندگی با دیکتاتوری مذهبی ساخته و پرداخته بیگانه هستند و پس از آنکه برای تحقق دموکراسی دهها هزار کشته داده اند، چندین میلیون از سرزمین مادری خود جلای وطن کرده آواره سرزمین های دیگر شده اند، زندانها مملو از آزادیخواهان است و در شرایطی که دست کم هشتاد درصد مردم ایران مخالف دیکتاتوری مذهبی هستند و سردمداران جمهوری اسلامی وحشت زده از یک قیام عمومی هر روز خشونت های وحشتناک بیشتری بر علیه مردم اعمال می کنند و چشم انداز دموکراسی در ایران بیش از گذشته نمودار می گردد، این بار هم شخصی که هیچ مسئولیت دولتی و اجرایی ندارد، برای آینده ایران نسخه می نویسد و برای اثبات گفته خود از آمار و تاریخ نقل می کند.

بهتر بود ایشان بجای استفاده از آمارهای خارج از ایران، آمارهایی از داخل ایران بدست می آورد تا متوجه شود اکثریت قریب به اتفاق مردم که دیکتاتوری مذهبی را طرد و برای سرنگونی آن مبارزه می کنند به استقرار هیچ نظام دیکتاتوری دیگری - زیر هر نام که باشد - رضایت نخواهند داد و نظام آینده ایران بی هیچ تردید یک نظام مردم سالار است و بس.

آقای ریموند تانتر در حالی برای اثبات نظریه خود متوسل به تاریخ شده است که زنان شجاع، جوانان و دانشجویان مبارز ایران در مبارزه ای سرنوشت ساز آینده ایران آزاد و لائیک را رقم می زنند. ■

## از برگزاری مراسم یادبود فروهرها جلوگیری شد

هوشنگ کردستانی

### تشکیل مثلث رفسنجانی، خاتمی و کروبی

#### برای مقابله با جناح احمدی نژاد

جناح احمدی نژاد به اتکاء اهرمهایی که در اختیار دارد در پی بی آبرو کردن و از میدان خارج نمودن رقبای خود از صحنه سیاسی و تثبیت موقعیت خود است.

هاشمی رفسنجانی با محمد خاتمی و مهدی کروبی که سالها ریاست مجلس و حکومت جمهوری اسلامی را در اختیار داشته اند و هر کدام سردمدار یکی از جناحهای قدرت در درون حاکمیت هستند در برابر یورش جناح احمدی نژاد بیکار نه نشسته و ائتلافی میان خود تشکیل داده و به پیروزی در انتخابات مجلس اسلامی و سپس ریاست جمهوری امید بسته اند. آنها برای تضمین موفقیت خود، طرح افزایش مدت دوره مجلس هفتم و کاستن از مدت ریاست جمهوری نهم را پیشنهاد کردند هر چند که به تصویب مجلس شورای اسلامی هم رسید، ولی به دلیل مخالفت نمودن شورای نگهبان از دور خارج شد.

مبارزه میان جناح احمدی نژاد و مثلث رفسنجانی، خاتمی، کروبی به آن مرحله از حساسیت رسیده است که طرفین برای بی اعتبار کردن و حتی حذف یک دیگر از واژه ها و اصطلاحاتی استفاده می کنند که تا کنون سابقه نداشته است.

چندی پیش احمدی نژاد در سخنرانی خود در دانشگاه علم و صنعت از کسانی که با برنامه های امنی دولت مخالف هستند بعنوان خائن نام برد که آشکارا منظورش مثلث سه حجت الاسلام بود، متقابلاً حسن روحانی نزدیک به رفسنجانی و خاتمی بشدت نسبت به این سخنان واکنش نشان داد و گفت احمدی نژاد کارش به جایی کشید که به خود اجازه دهد که پیش از صدور رأی دادگاه دیگران را محکوم کند.

سخنان احمدی نژاد بقدری تند و دور از انتظار بود که حتی مورد انتقاد شدید روزنامه جمهوری اسلامی وابسته به علی خامنه ای قرار گرفت، به گونه ای که از قوه قضایی خواستار رسیدگی به اتهام زدن احمدی نژاد بر علیه افراد شد که می تواند نشاندهنده عصبانیت جناح وابسته به رهبری نسبت به گذشته ها و موضع گیری های احمدی نژاد باشد.

چند روز پیش از انتشار مقاله انتقادآمیز روزنامه جمهوری اسلامی، مهدی کروبی نیز در یک مصاحبه مطبوعاتی از موضع گیری های تند برخی از جناح های اصلاح طلب از جمله مشارکتی ها و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به شدت انتقاد کرد.

آگاهان، گفته های کروبی و متقابلاً مقاله روزنامه جمهوری اسلامی را به نوعی نشان های نزدیکی موضع کروبی، جناح وابسته به رهبری در برابر تندروهای احمدی نژاد و جناح مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ارزیابی می کنند. ■

اول آذر امسال نهمین سالگرد شهادت بخون خفتگان نهضت ملی ایران، پروانه و داریوش فروهر بود. بدلیل آنکه مقام های امنیتی جمهوری اسلامی با برگزاری مراسم در مساجد جلوگیری می کند از چند سال پیش این مراسم در منزل فروهرها برگزار می شود.

سال گذشته نیروهای انتظامی - امنیتی از حضور مردم در منزل آنها هم جلوگیری کردند. امسال نیز چند روز پیش از برگزاری مراسم یادبود، نخست خسرو سیف دبیر حزب ملت ایران و سپس پرستو فروهر به دادگاه انقلاب فراخوانده شدند که لابد به آنها یادآور شوند از آنجا که به گفته سردمداران نظامشان آزادی هایی که در ایران وجود دارد در هیچ کجای دنیا نیست، بنابراین حق برگزاری آئین یادبود حتی در منزل را هم ندارند!

از بامداد روز پنجشنبه اول آذرماه خیابان و تمامی کوچه هایی که منتهی به خانه فروهرها می شد توسط نیروهای انتظامی - امنیتی مسدود و از حضور جمعیت زیادی که برای شرکت در مراسم آمده بودند جلوگیری شد. در اثر درگیری مردم با قوای انتظامی، بوشهری از اعضای دیربای حزب ملت ایران بشدت مجروح و به بیمارستان انتقال داده شد

جالب اینجاست که سردمداران اسلامی که با وجود گذشت ۹ سال از جان باختن فروهرها هنوز هم از نام آنها و برگزاری مراسم یادبودشان وحشت دارند و نیز می کوشند با ترفندهای گوناگون مانع شکل گیری و پیدایش اپوزیسیون ملی و آزادی خواه حتی خارج از ایران شوند با این وجود هیچگاه مانع فعالیت افرادی که با جناحهای قدرت در حاکمیت اسلامی در تماس و ارتباط هستند نشده و نمی شدند و حتی اجازه انتشار بیانیه و انجام دادن مصاحبه با رادیو و تلویزیون خارج از کشور را به آنها می دهند و آن بخش از اپوزیسیون خارج از کشور نیز که مستقیم و غیرمستقیم با جناحهای درون حاکمیت اسلامی همکاری دارند خبرهای آنها را بازتاب می دهند. متأسفانه رسانه های خبری ایرانی خارج از کشور و بخش فارسی رادیوهای بیگانه نیز آگاه یا ناآگاه در دام این بازیهای سردمداران اسلامی افتاده و به پخش این گونه خبرها می پردازند.

هیأت اجرایی جبهه ملی - خارج از کشور -

پاینده ایران

ای آفریدگار پاک

تو را پرستش می کنم و از تو یاری می جویم

پاینده ایران

ای آفریدگار پاک

ترا پرستش می کنم و از تو یاری می جویم

## زمان، حساس و در گذر است ایران را دریابید

## حزب ملت ایران، دفتر اروپایی

### هم میهنان؛

اکنون که ایران دیرینه سال در سایه ندانم کاری های خشک سرانه ی کاربدستان دوره بسیار پرمخاطره ای از تاریخ را سپری می کند و نیاز جامعه برای ماندگاری این کشور اهورایی در چنین هنگامه ای بیش از همیشه آرامش، وحدت ملی و همبستگی یکایک مردم و گروه های سیاسی، اجتماعی میهن دوست است اعمال فشار نه تنها بر فعالان مدنی و به بند کشیدن دانشجویان، کارگران و روزنامه نگاران مستقل که بر مردم به ویژه جوانان در گوشه و کنار شهر هم سرایت کرده است. این رفتار نشانی است از ضعف و عدم تحمل هر صدایی تا در سکوتی گورستانی و با آسودگی خیال به رفتارهای خانه برانداز خود ادامه دهند، از اینرو این حرکات را که در راستای گسترش سلطه و وحشت آفرینی و تنگ کردن فضای تنفس برای تلاشگران مدنی و مدافعان حقوق بشر است را با دستگیری های هرروزه از آنجمله بازداشت عمادالدین باقی مدافع حقوق بشر دانشجویان مبارز عزیزی و نیکو نسبتی و دهها تن دیگر و همینطور احکام محکومیت زنان مبارزه (دل آرام علی) و به بهانه ایجاد امنیت به انباشتن زندان ها از دختران و پسران و سرکوب آنها مشغولند. گویی در ژرف نمودن بحران های بوجود آورده و ایجاد خطر جدی برای ملت و میهن دستهای عمدی در کارند.

**حزب ملت ایران** توقف فوری بگیر و ببندها و آزادی زندانیان سیاسی مدنی، کارگران دانشجویان و روزنامه نگاران مستقل و مدافعان حقوق بشر از جمله عمادالدین باقی و ... را خواستار است. و این گونه کردار را تهدیدی خطرناک برای جامعه و سرزمین مان می داند و آن را در راستای منافع استعمارگران ارزیابی می نماید که باید مسئولیت هرگونه پیامد ناگوار آن را کاربدستان عهده دار و در پیشگاه ملت پاسخگو باشند.

### اطلاعیه

با توجه به نزدیک شدن یکم آذر، روز دشنه آجین شدن داریوش و پروانه فروهر، برگزاری مراسم بزرگداشت نهمین سال شهادت آن دو انسان فرهیخته ایران دوست و مبارز راه آزادی و عدالت، همرمز خسرو سیف دبیر حزب ملت ایران به وزارت اطلاعات فرا خوانده شد.

پنجشنبه بیست و چهارم آبانماه یکهزاروسیصد  
وهشتاد و شش خورشیدی

دفتر اروپایی حزب ملت ایران

**هم میهن؛** ما براین باوریم راه برون رفت از وضع حساس و خطرناک کنونی پرهیز کاربدستان جمهوری اسلامی از رویارویی و درگیری و خودداری از موضع گیری های تحریک آمیز می باشد، منافع ملی ایجاب می کند که هرچه زودتر ایران پرچم صلح و دوستی و همزیستی مسالمت آمیز با تمام کشورهای جهان را در منطقه در دست گیرد و از جنگ و درگیری که پیامد آن ویرانی و دربدری مردم ستمدیده ایران می باشد به شدت بپرهیزد، چه فردا خیلی دیر است. یگانگی، استقلال، آزادی و سربلندی ایران آرزوی همه ایرانیان است.

**برافراشته باد پرچم صلح و دوستی ملت ها در جهان  
آزادی زندانیان سیاسی خواست ملت ایران است**

دبیرخانه حزب ملت ایران، تهران بیست و دوم آبان ۱۳۸۶



درآمد نفت باید صرف ایجاد کار، تولید و افزایش ثروت ملی گردد

**بیانیه**

بقیه از ص ۱

برای انجام «عملیات پشت زنی» به هنگام شروع حملات هوایی ارتش های مهاجم آماده می کند. بر این اساس و با توجه به جدی بودن خطری که منافع ملی و تمامیت ارضی کشور ما را مورد تهدید قرار داده است و با تأکید بر این واقعیت که نیروهای مقاومت ملی ایرانی به محض مشاهده تجاوز به مرزهای کشور بشدت در مقابل تجزیه طلبان اجیر شده بوسیله نیروهای مهاجم ایستادگی نموده و توانائی هرگونه کمک به مهاجمین را از آنان سلب خواهند کرد.

به رهبران کشورهایی که سودای حمله نظامی به کشور ما را در سر می پروراند هشدار می دهیم:

۱- رهبران سیاسی و نظامی کشورهایی که گزینه حمله نظامی به کشور ما را روی میز خود گذاشته اند بهتر است پیش از آغاز جنگی که قادر به پیش بینی عواقب آن نیستند، اطلاعات دقیقی از میزان علاقه و وابستگی ایرانیان به سرزمین آباء و اجدادی خود از منابع موثق (نه از خبرچین ها و تجزیه طلبان ایرانی) دریافت و از تکرار اشتباهی که در عراق مرتکب شدند خودداری نمایند.

۲- به روایت «موگواران» (کمسرسیوم نیوز) آقای «مک نری» گزارشگر فاکس نیوز طی سخنرانی خود در کمیته امور عمومی اسرائیل (اییک) گفته است: «حملات هوایی به ایران بسیار آسان است چهل و هشت ساعت حملات مکرر به ۲۵۰۰ نقطه حساس برای از کار انداختن تأسیسات اتمی، پایگاه های نیروی هوایی، دریائی و موشک های شهاب ۳ و کنترل کلی فرماندهی ایران کافی خواهد بود، بعد از آن به ایرانیان فرصت خواهیم داد تا کشورشان را بازسازی کنند...» صرف نظر از اینکه دخالت و اظهار نظر یک «گزارشگر» در این مورد آشفتگی فضای نهادهای تصمیم گیری آمریکا را انعکاس می دهد. لازم به یادآوری است که هزینه احداث تأسیسات و مراکز حساس و حیاتی مورد اشاره وی را ملت ایران پرداخت کرده است نه ملایان حاکم بر ایران! بر این اساس حمله به این مراکز و تخریب آنها به مثابه حمله مستقیم به منافع ملی ما می باشد. طبیعی است که در چنین درگیری طرف دعوای نیروهای متجاوز ملت ایران خواهد بود.

۳- مردم ایران اعم از مخالف و موافق رژیم غیر دموکراتیک حاکم بر کشور ما، از هم اکنون در سراسر کشور و در خارج از کشور خود را آماده دفاع ملی در برابر حمله احتمالی به میهن خود می کنند و این همان حقیقتی است که روزنامه نگاران اجیر شده و خبرچین های فرصت طلب

ایرانی نما کوشیده اند از نظر مسئولان و نهادهای تصمیم گیری کشوری که قصد حمله نظامی به ایران را دارد مخفی نگه دارند. (در این زمینه اخبار و گزارشات جعلی «allvebcu» عراقی را بخاطر بیاورید).

۴- رسانه های صوتی و تصویری فارسی زبان که هزینه آنها را ایالات متحده آمریکا تأمین می کند با تولید برنامه های نفاق افکنانه و چهره سازی از افرادی که فاقد وجاهت ملی بوده و مطلقاً مورد اعتماد مردم ایران نیستند بجای کمک به برقراری فضای صلح آمیز و رفع تنش ها به گسترش جو سوطن و بی اعتمادی دامن می زنند.

۵- برخلاف تبلیغات و تلقینات کسانی که منافع شخصی خود را در ویرانی ایران جستجو می کنند، حمله نظامی نه تنها مقدمه ای برای سقوط رژیم نخواهد بود، بلکه موجبات تحکیم موقعیت و ادامه حیات آن را فراهم می کند و میدان عمل برای فعالان حقوق بشر و آزادی های اساسی محدود تر و تنگ تر می شود.

۶- تاریخ ایران به روشنی شهادت می دهد که مردم این سرزمین، دفاع از تمامیت ارضی میهن خود را اساسی ترین وظیفه ملی خود می شناسند و به تجزیه طلبان اجیر شده از سوی بیگانگان به چشم «بیگانه» و نه با دید هموطن می نگرند. طبیعی است در شرایطی که کشورشان مورد حمله قرار بگیرد با این عناصر ضد ایرانی بعنوان واحدی از نیروهای متجاوز خارجی برخورد خواهند کرد.

ثربا بوذرجمهری (فعال سیاسی و حقوق بشر)

مهندس حبیب روحانی (فعال سیاسی و حقوق بشر)

منوچهر کاوه زاده (روزنامه نگار و فعال سیاسی)

دکتر حسن کیوده (پژوهشگر و فعال سیاسی)

انوشیروان مدنی (دبیر گروه ایرانیان مبارز و روزنامه نگار)

مهندس بهرام معصومی (روزنامه نگار و فعال سیاسی و حقوق بشر)

دکتر مسعود هارون مهدوی (فعال سیاسی و حقوق بشر)

دکتر ساسان هارون مهدوی (مسئول سازمان جوانان

جبهه ملی خارج از کشور)

پنجم نوامبر ۲۰۰۷

از خانم تمدن «سامانی»

## روز ۲۹ اکتبر، روز کورش بزرگ، و سالگرد صدور اولین منشور حقوق بشر، را گرامی بداریم

### صحرای طلب

به صحرای طلب، گر چشمه ساری می شود پیدا  
به یمنِ همت امیدواری می شود پیدا  
به دشت زندگانی شد بیا آنگونه توفانی  
که در هر منزلی، افتاده باری می شود پیدا  
منم کز گردباد زندگی جان می برم بیرون  
اگر بینم سواری در غباری می شود پیدا  
بود از خون پاک رهروان راه حق گلگون  
به این وادی به هر گامی که خاری می شود پیدا  
در این گلشن به یادم قصه ی منصور می آید  
شباهنگی چو بر هر شاخساری می شود پیدا  
دلَم از کین دشمن نیست خالی گر چه خاموشم  
هنوزم زیر خاکستر شراری می شود پیدا  
فراز فکرتی چون فکرت ما پر زند همت  
بلی شاهین فراز کوهساری می شود پیدا

✽ ✽

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در  
نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.  
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:

www.javanane-melli.de  
info@javanane-melli.de

نشریه

جبهه ملی ایران

خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر

هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون - مهدوی و

دکتر امیر هوشمند ممتاز هر ماه یک بار در خارج از

کشور انتشار می یابد

نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران

خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

بیست و پنج قرن قبل، در زمانه ای که توحش بر زندگی  
انسان ها چیرگی داشت، بیانیه ای نوشته شد که به «چهار  
گوشه جهان» انسان مدارانه و متمدنانه برکتیبه ای خطاب به  
مردم مسایلی مهم در ارتباط با حقوق انسان می پرداخت؛  
مسایلی که نه تنها در آن زمانه که قرن های قرن پس از آن  
و حتی امروزه نیز می تواند الهام بخش همه کسانی باشد که  
به انسان و حقوق او باور دارند. این بیانیه که به نام «منشور  
کورش بزرگ» شناخته می شود» بر **الغای تبعیضات نژادی  
و ملی، آزادی انتخاب محل سکونت، الغای برده داری،  
آزادی دین و مذهب و تلاش برای صلح پایدار میان  
ملت ها** تاکید کرده است. این منشور، که از سوی مردمان  
ایران زمین و از زبان رهبر سیاسی خود کورش  
بزرگ، پایه گذار اولین امپراتوری جهان به بشریت هدیه  
شده، در سال ۱۹۷۱ از سوی سازمان ملل متحد به عنوان  
اولین اعلامیه حقوق بشر جهان شناخته شد و بدینسان، این  
افتخار به نام ایران، به عنوان مهد نخستین اعلامیه حقوق  
بشر، در تاریخ جهان ثبت شد.

اکنون و متأسفانه، ملت ایران از این حقوق، که خود در  
درک، اعلام و تصویب آن سهم داشته اند، برخوردار نیست و  
دولت حاکم بر ایران نه تنها به این حقوق کمترین بهایی  
نمی دهد بلکه حتی آرامگاه و شهر کورش بزرگ، که از  
سوی سازمان یونسکو به عنوان «مکانی مقدس» در لیست  
گنجینه های بشری ثبت شده، به شکل های مختلفی  
(عمدی و غیر عمدی) در خطر ویرانی جدی قرار داده است.  
کمیته بین المللی نجات پاسارگاد، که سه سال است به  
وسیله گروه کثیری از فرهنگدوستان و علاقمندان به  
میراث های ملی و جهانی ایران تشکیل شده، بار دیگر، در  
سالروز صدور منشور کورش بزرگ، با تقدیم بیشترین و  
بهترین شادباش های خود، از همه دوستداران حقوق بشر و  
علاقمندان به میراث های ملی و جهانی تقاضا دارد که  
مصرانه و مداوم از سازمان های حقوق بشر، سازمان ملل و  
به خصوص یونسکو بخواهند تا این گنجینه بشری را (که  
تقدس خود را از اهمیتی که کورش بزرگ برای انسان  
می شناخت به دست آورده) از ویرانی بیشتر نجات دهند.

با مهر و احترام

کمیته بین المللی نجات پاسارگاد

اکتبر ۲۰۰۷

آزادی دین، زبان و بیان عقیده اصل جدایی ناپذیر پیشرفت و تجدد است